

نقش جمهوری آذربایجان در سیاست تقابلی رژیم اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران (۱۹۹۲-۲۰۲۴)

شیوا علی‌زاده^۱، حمیدرضا جوادی قلعه^۲

چکیده

فروپاشی اتحاد شوروی فرصت جدیدی برای رژیم اسرائیل پدید آورد تا بر پایه مهم‌ترین اصل امنیت ملی که بر لزوم دفاع پیش‌دستانه و از بین بردن تهدیدهای ادعایی در بیرون از مرزهای آن تأکید می‌کند، به تقابل گسترده‌تر با جمهوری اسلامی ایران بپردازد. پرسش اصلی این نوشتار این است که رژیم اسرائیل چگونه از جمهوری آذربایجان برای تضعیف امنیت ملی ایران بهره‌برداری می‌کند؟ پژوهش حاضر اکتشافی، از نوع کیفی با رویکرد توصیفی - تحلیلی است که داده‌های لازم برای آن با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و رسانه‌ای گردآوری شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که جمهوری آذربایجان به‌علت قرار گرفتن در موقعیت مهم ژئوپلیتیکی در شمال مرزهای ایران، گسل‌های فعال در روابط خویش با ایران، تهدیدانگاری از سوی اشتراکات تاریخی و فرهنگی با ایران، تهدیدانگاری از جانب اسلام سیاسی ملهم از جمهوری اسلامی ایران، مجاورت با استان‌های آذری‌زبان ایران، قرار گرفتن در مسیر اقتصادی ایران به اروپا، همسویی سیاسی با رژیم اسرائیل، گرایش به توسعه همکاری‌ها با متحدان رژیم اسرائیل و داشتن انگیزه قوی برای ایجاد دالان تورانی ناتو (زنگزور) و اتصال کشورهای عضو سازمان دولت‌های ترک به یکدیگر، از ظرفیت‌های بالایی برای بهره‌برداری‌های رژیم اسرائیل برخوردار است. در واقع رژیم صهیونیستی با تمرکز بر این مسائل تنش‌زا، از این کشور در جنگ ترکیبی خود بر ضد ایران استفاده می‌کند.

کلیدواژه‌ها: اسرائیل، امنیتی‌سازی، بیشینه‌سازی قدرت، جمهوری آذربایجان، ایران، موازنه
تهدید

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۰۵

۱. استادیار گروه مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول). shiva_alizadeh@ut.ac.ir
۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای، گروه مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.



مقدمه

بعد از ترکیه و مصر، جمهوری آذربایجان سومین کشور اسلامی بود که روابط سیاسی، اقتصادی و راهبردی خود را با اسرائیل گسترش داد. در واقع بعد از دوره جنگ سرد و فروپاشی شوروی، اسرائیل با توجه به تغییرات پدیدآمده در نظام بین‌المللی، بر آن شد تا به تغییر تمرکز خود از مناطق عربی پیرامونی به مناطق شمالی اقدام کرده و در جهان به رهبری ایالات متحده آمریکا به توسعه نفوذ دستگاه سیاست خارجی خود و خروج از انزوای چندین ساله اقدام نماید. رژیم اسرائیل که بعد از سال‌ها جنگ با اعراب مسلمان تنها موفق به عادی‌سازی روابط با یکی از این کشورها شده بود (مصر)، با فروپاشی شوروی شاهد تشکیل شش کشور اسلامی در همسایگی شمالی غرب آسیا بود که ارتباط با آنها می‌توانست جدای از ثمرات اقتصادی و سیاسی گسترده، در مواضع کشورهای عربی غرب آسیا نیز در خصوص اسرائیل اثر قابل ملاحظه‌ای داشته باشد. البته رژیم اسرائیل در گسترش روابط خود با جمهوری‌های تازه‌تأسیس، مسیر توسعه و تقویت منافع مشترک خود با ایالات متحده آمریکا را نیز دنبال می‌کرد و در پی آن بود تا در کنار ایالات متحده آمریکا از نفوذ اسلام سیاسی در این کشورها و انتقال فناوری‌ها و تجهیزات راهبردی بجامانده از شوروی از این کشورها، به‌ویژه به همسایگان اسلامی جلوگیری کرده و امنیت انرژی غرب را نیز تضمین کند.

جمهوری آذربایجان که در موقعیتی ژئوپلیتیکی و در شمال مرزهای ایران واقع شده، به‌علت مجاورت با حوزه دریایی کاسپین، هم‌مرز بودن با استان‌های آذری‌زبان ایران، تکاپوهای جدی و دامنه‌دار برای ترویج اندیشه‌های پان‌ترکی و پان‌آذربایجانی، تلاش برای توسعه مناسبات با کشورهای غربی و قدرت‌های فرامنطقه‌ای، همکاری‌های گسترده سیاسی و نظامی و اقتصادی با ترکیه در راستای تغییر مرزهای منطقه و استفاده از توان اطلاعاتی و نظامی اسرائیل برای پیگیری سیاست‌های توسعه‌طلبانه ارضی، مدت‌هاست که در حال تهدید منافع و امنیت ایران است. در شرایطی که هر دو کشور به علت جهت‌گیری‌های مختلف و حتی متباین در طیف گسترده‌ای از مسائل از نظام حکمرانی و سیاست‌های فرهنگی تا نوع کنشگری در منظومه مناسبات منطقه‌ای و جهانی، مسیرهای متفاوتی را دنبال می‌کنند، روابط دو طرف به مرور زمان مسیر واگرایی را ادامه داده و همین مسأله امکان تقابل در سال‌های اخیر را چند برابر کرده است. در این نوشتار، پس از بررسی رهنامه امنیت ملی اسرائیل، و فرآیند، جزئیات، پیشران‌ها و



انگیزه‌های گسترش روابط جمهوری آذربایجان و اسرائیل، به پیامدهای منفی این روابط برای جمهوری اسلامی ایران پرداخته می‌شود.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌هایی در رابطه با موضوع مناسبات جمهوری آذربایجان و رژیم اسرائیل و پیامدهای آن برای جمهوری اسلامی ایران به انجام رسیده است که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

جدول ۱. پیشینه پژوهش

ردیف	عنوان	نویسندگان/سال	یافته اصلی
(۱)	عوامل مؤثر بر همگرایی اسرائیل و جمهوری آذربایجان (۲۰۱۷-۱۹۹۱)	جوانپور هروی و جعفری فر / ۱۳۹۷	مهم‌ترین عوامل مؤثر بر همگرایی اسرائیل و جمهوری آذربایجان راهبرد پیرامونی اسرائیل (دکترین بن‌گوریون) و دکترین خاورمیانه جدید شیمون پرز، همکاری نظامی، اهمیت ژئوپلیتیکی، وجود ذخائر انرژی و یهودیان جمهوری آذربایجان است.
(۲)	تقابل ایران و اسرائیل و تأثیر آن بر گسترش روابط سیاسی - امنیتی اسرائیل و جمهوری آذربایجان	مؤمنی و رحیمی / ۱۳۹۶	با وجود مؤلفه‌های هویتی مشترک بین ایران و جمهوری آذربایجان، برخی چالش‌ها از جمله بحران قراباغ، سیاست‌های قوم‌گرایانه باکو و سیاست‌های مذهبی ایران که به سردی روابط دو کشور منجر شده است، سبب‌شده تا تقابل ایران و اسرائیل به‌عنوان عاملی مهم و تأثیرگذار، گسترش روابط سیاسی - امنیتی جمهوری آذربایجان و اسرائیل را موجب شود که هدف اسرائیل از آن، مقابله با ایران است.
(۳)	بررسی اهداف راهبردی دوسویه اسرائیل و جمهوری آذربایجان از گسترش روابط فی‌مابین	همتی / ۱۴۰۲	محور روابط اسرائیل و جمهوری آذربایجان همکاری‌های نظامی و امنیتی و اقتصادی، بر پایه اشتراکاتی نظیر تقابل با جمهوری اسلامی ایران است.
(۴)	روابط اسرائیل و آذربایجان و تأثیر آن بر امنیت ملی	اکبری و غنی‌زاده / ۱۳۹۹	روابط اسرائیل و جمهوری آذربایجان در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی رو به



ردیف	عنوان	نویسندگان/سال	یافته اصلی
	جمهوری اسلامی ایران		گسترش بوده و همسایگی جمهوری آذربایجان با ایران و نفوذ اسرائیل در این کشور می‌تواند تهدیدی علیه منافع ملی ایران باشد.
(۵)	روابط اسرائیل و آذربایجان و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران	محبوبی، موسوی و عزیزموسوی / ۱۴۰۰	جمهوری آذربایجان یکی از نشان‌گاه‌های ویژه اسرائیل است که شکل مرزهای ایران و جمهوری آذربایجان، توسعه‌نیافتگی و ویژگی‌های دموگرافیک منطقه، انگیزه رژیم صهیونیستی برای انجام فعالیت‌های خرابکارانه و اقدامات جاسوسی و مسائلی چون تحریکات ضد دولتی در مرزهای ایران را افزون‌تر می‌کند. حمایت آمریکا و غرب از حضور اسرائیل در قفقاز و به‌ویژه جمهوری آذربایجان، برای اعمال فشار به ایران است که سبب شده ایران با ائتلافی از کشورها در مرزهای شمالی خود روبرو شود.

از تفاوت‌ها و نوآوری‌های پژوهش پیش‌رو در مقایسه با ادبیات موضوعی موجود، استفاده از منابع عبری و ارائه بازنمایی رژیم اسرائیل از موضوع و همچنین پوشاندگی بیشتر پژوهش از منظر شناسایی و بررسی پیشران‌های گسترش و تعمیق روابط جمهوری آذربایجان و اسرائیل در تقابل با جمهوری اسلامی ایران و محورهای این همکاری تقابلی، و دربرگرفتن تحولات پس از دو بزنگاه مهم، جنگ ۲۰۲۰ قراباغ و تبعات آن، و عملیات طوفان‌الاقصی و پیامدهای آن، و البته ارائه پیشنهادها کاربردی و رسانه‌ای در جهت مقابله با جنگ ترکیبی جاری علیه ایران، به‌ویژه جنگ شناختی است.

چارچوب نظری: واقع‌گرایی نوکلاسیک

جان جوزف مرشایمر و استفان والت از نظریه‌پردازان واقع‌گرایی نوکلاسیک هستند که بهره‌گیری از دیدگاه‌های آنها می‌تواند به تبیین سیاست و رفتار رژیم اسرائیل در تقابل با ایران، به‌ویژه نزدیکی و اتحاد آن با جمهوری آذربایجان کمک کند. مرشایمر بر این باور است که حس نیاز به



امنیت و در نهایت بقا، دولت‌ها را به بیشینه‌سازی قدرت تهاجمی سوق می‌دهد. وی فرضیه خود را بر پایه ۵ اصل بنا کرد: ۱) نظام بین‌المللی یک سیستم آنارشیک است و هیچ قدرت فائقه‌ای برای قضاوت در مورد مناقشات میان دولت‌ها وجود ندارد. ۲) تمامی دولت‌ها از مقداری توانمندی نظامی برخوردار هستند که به آنها توان صدمه زدن و یا انهدام یکدیگر را می‌دهد. ۳) دولت‌ها هیچ‌گاه نمی‌توانند نیت طرف مقابل را به روشنی بخوانند. ۴) تضمین بقا اصلی‌ترین هدف هر دولتی است زیرا دولت‌ها در پی حفظ تمامیت ارضی، استقلال و نظم سیاسی داخلی‌شان هستند. ۵) دولت‌ها بازیگران عقلانی بوده که به دنبال ارتقا منافع خودشان هستند. بنابر نظر مرشایمر این شرایط به دولت‌ها انگیزه کافی می‌دهد تا نسبت به یکدیگر رفتار تهاجمی داشته باشند. او در نهایت به این نتیجه می‌رسد که از آنجایی که دولت‌ها نمی‌توانند با قطعیت مقاصد فعلی و آینده دولت‌های دیگر را دریابند احتیاط شرط می‌کند تا اقدامات پیش‌دستانه‌ای را انجام داده و قدرت نظامی خود را افزایش دهند (قاسمی، ۱۳۹۹: ۱۵۰-۱۵۱).

استفان والت در نظریه موازنه تهدید خود دلایل اتحاد کشورها را در برابر یک تهدید درک‌شده تشریح می‌کند و بر آن است که دولت‌ها در برابر دولت‌هایی که آنها را منبع تهدیدی برای خود می‌دانند متحد می‌شوند. به باور والت، مبنای تشکیل اتحادها در بین کشورها، می‌تواند «توازن تهدید» باشد نه «توازن قدرت». مقصود او تهدیداتی است که بر اساس ادراک دولت‌ها موجودیت و منافع آنها را به خطر می‌اندازد. بنابراین، بیشتر این تهدیدها می‌توانند تهدیدهای بالقوه باشند و بزرگترین تهدید لزوماً بزرگترین قدرت نیست. منابع تهدید از نظر والت عبارتند از: مجموع قدرت (جمعیت، ظرفیت‌های اقتصادی و صنعتی و تکنولوژیکی)، نزدیکی جغرافیایی، قدرت تهاجمی و مقاصد تهاجمی. بدیهی است درک کشورهایی که در برابر این تهدیدات دست به ائتلاف و اتحاد می‌زنند، ضرورتاً منطبق با واقعیت نیست (Walt, 1990).

رهنامه امنیت ملی رژیم اسرائیل

وقتی بحث از مفهوم امنیت ملی به میان می‌آید ابتدا لازم است ارزش‌ها و منافع پایه ملی مورد بررسی قرار بگیرد تا به وضوح مشخص شود که نیروهای سیاسی و امنیتی یک کشور باید از چه چیزی دفاع کنند و چه خطرهایی وجود دارد که باید نسبت به آنها هوشیار باشند. «اساس اسرائیل بر این اصل بنیان نهاده شده که مردم جهان به دو دسته کلی «یهودستیز آشکار»^۱ و «یهودستیز

پنهان»^۱ تقسیم می‌شوند و همه در پی نابودی مردم یهود هستند» (Herzl, 1943: 21); لذا یهود باید طوری ساختارسازی کند که به دوران ادعایی آوارگی دو هزار ساله خود بازنگردد. با همین نگاه است که کوچکترین تهدیدات در نگاه مقام مسئول اسرائیل بزرگ انگاشته شده و برنامه‌ریزی برای نابودی آن فوراً در دستور کار قرار می‌گیرد.

اگر بخواهیم به سیاست‌های تقابلی برآمده از مبانی استراتژی امنیت ملی و رویه‌های رژیم اسرائیل در برابر جمهوری اسلامی ایران اشاره کنیم، می‌توانیم موارد ذیل را ذکر کنیم:

(۱) /امنیتی‌سازی: یکی از راهبردهای قدیمی یهودیان در مواجهه با تهدیدات، امنیتی‌سازی مسائل و به‌اصطلاح از کاه کوه ساختن است. این نوع نگاه امنیتی به مسائل در جهان امروز در چارچوب نظریات برآمده از مکتب کپنهاگ قابل بررسی است. بر اساس نظریات ارائه‌شده توسط اندیشمندان این مکتب سیاسی، «در روابط بین‌الملل هنگامی که موضوعی تبدیل به یک مسأله امنیتی می‌شود علت این نیست که آن موضوع تهدیدی عینی را برای کشور مورد نظر ایجاد کرده بلکه در واقع به این سبب است که یک بازیگر سیاسی چیزی را به‌مثابه یک تهدید تعریف کرده است؛ بنابراین یک پدیده تنها هنگامی به موضوعی امنیتی تبدیل می‌شود که به آن برچسب امنیتی زده شود. عاملی که شروع به ساختن روایت‌های امنیتی از برخی از مسائل می‌کند، با گفتن این گزاره که پدیده مورد نظر از جنبه وجودی مورد تهدید واقع شده، مدعی حق مسلم خود برای تضمین امنیت و حفظ و بقای پدیده مورد تهدید می‌شود. با این اقدام مسأله مورد نظر از «بُعد سیاست‌های معمولی»^۲ خارج شده و وارد «قلمرو سیاست‌های اضطراری»^۳ می‌شود» (Taureck, 2006: 3). بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر وقت اسرائیل حین سخنرانی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱ اکتبر ۲۰۱۵ (۹ مهر ۱۳۹۴)، ضمن انتقاد از برجام، کتاب فلسطین مقام معظم رهبری را به نمایش درآورد و اعلام کرد که رهبر ایران چند روز پس از حصول توافق هسته‌ای بین ایران و قدرت‌های جهانی، کتابی چهارصد صفحه‌ای منتشر کرده و در آن به تشریح برنامه خویش برای نابودی دولت اسرائیل پرداخته است (The Times of Israel, 01.10.2015).

(۲) /ایجاد اتحادهای منطقه‌ای با استفاده از موازنه تهدید: سردمداران اسرائیل از همان ابتدا اهمیت این سیاست را تشخیص داده و کوشیده‌اند تا از طریق گسترش روابط با کشورهای غرب

1. Covertly Anti-Semitic
2. the sphere of normal politics
3. the realm of emergency politics



آسیا به کاهش تهدیدات بپردازند. در طول سال‌های ۱۹۷۷-۱۹۷۴ از یک‌سو توافقات موقتی بین اسرائیل و سوریه و مصر حاصل شد و از سوی دیگر رژیم اسرائیل مذاکراتی را با اردن بر سر دستیابی به یک توافق ارضی در کرانه باختری دنبال کرد، اما به ادعای طرف اسرائیلی درک متقابل میان طرفین در این مذاکرات محدود بود؛ در نتیجه اردن از فرآیند صلح کنار گذاشته شد و مصر جایگزین آن شد. در نتیجه مذاکراتی که به دنبال بازدید انور سادات از بیت‌المقدس در نوامبر ۱۹۷۷ آغاز شد، مصر در مارس ۱۹۷۹ و به‌رغم مخالفت‌های شدید اعراب، توافق صلحی را با اسرائیل به امضا رساند. این اتفاق اولین شکاف آشکار را در میان جبهه متحد کشورهای عربی بر ضد اسرائیل ایجاد کرد. در طول دهه ۱۹۸۰، مخالفت قاطع کشورهای عربی برای صلح با اسرائیل به‌صورت آهسته و تدریجی از بین رفت و پس از به‌رسمیت شناخته‌شدن ضمنی اسرائیل در «طرح فهد»^۱ در اجلاس اتحادیه عرب در سپتامبر ۱۹۸۲ در «فاس»^۲ مراکش، به اوج خود رسید (۱۹۸۲، ۲۹: 29)؛ البته اتحادیه عرب در ۲۰۰۲ نیز با طرح صلح جدیدی تحت عنوان «ابتکار صلح عرب»^۳ ملک عبدالله بن عبدالعزیز کوشید تا در پیچه‌ای را برای به‌رسمیت شناختن اسرائیل بگشاید (Anti-Defamation League, 05.03.2022).

فروپاشی شوروی یک فرصت استثنایی برای تغییر مرکز ثقل جهان اسلام به سمت شمال و در نتیجه تغییر توازن قدرت به نفع اسرائیل از طریق به حاشیه بردن اهمیت حوزه عربی در غرب آسیا پدید آورد. تلاش اسرائیل برای برقراری ارتباط با این کشورها را می‌توان به نوعی بازنویسی رهنامه پیرامونی بن‌گوریون دانست. در ادامه، ابتکار صلح آبراهام و به‌رسمیت شناخته شدن اسرائیل توسط امارات متحده عربی، بحرین، سودان و مراکش گامی در همین راستا بود که به تأسی از نظریه موازنه تهدید استفن والت و برای مقابله با تهدید ایران تدوین شده بود. تهدید ایران از چنان نقش محوری در این پیمان برخوردار بود که تنها چند ماه پس از انعقاد این پیمان‌ها شاهد انعقاد قراردادهای نظامی بین رژیم اسرائیل و کشورهای یاد شده، برگزاری رزمایش‌های نظامی مشترک و حتی حضور دائمی نماینده اسرائیل در برخی از آنها از جمله در بحرین بودیم (۱۰۰۳۰۲۲، ۱۵: ۲۰ ژوئن ۲۰۲۲). نیویورک تایمز نیز در گزارشی در ۲۰ ژوئن ۲۰۲۲ تشکیل این اتحادیه منطقه‌ای را در برابر تهدیدات ایران، از زبان بنی‌گانتس وزیر دفاع پیشین اسرائیل تأیید کرد (The New York Times, 20.06.2022). این بررسی نشان می‌دهد که اتحادسازی و

1. Eight Point Peace Plan by Crown Prince Fahd ibn Abd al-Aziz of Saudi Arabia

2. FEZ

3. The Arab Peace Initiative

واگذاری نقش هدایت‌گر آمریکا به اسرائیل برای پیشبرد بیشتر این قبیل اتحادها جهت مقابله با تهدید ادعایی مشترک جمهوری اسلامی ایران، طی روندی خزانده به اوج خود رسیده و این یکی از سیاست‌های موفق تقابلی اسرائیل در مقابله با ایران بوده است.^۱

۳) *بیشینه‌سازی قدرت*: با توجه به نظریهٔ مرشایمر و نظر به واقعیت‌های بنیادین شرایط امنیتی اسرائیل، به نظر می‌رسد که سردمداران اسرائیل از همان روزهای اولیه بر آن بوده‌اند تا از نظر نظامی به قدرت شماره یک منطقه تبدیل شوند و تلاش دیگر کشورهای منطقه را در دستیابی به سلاح‌های متعارف و غیرمتعارف ناکام بگذارند. در اصطلاح گفته می‌شود که اسرائیل باید از شاخص کیفی نظامی خود محافظت کرده و هیچ کشوری در منطقه حق به چالش کشیدن این شاخص را ندارد. کمک‌های مالی و تسلیحاتی سالانه دولت آمریکا به اسرائیل نیز در عمل برای حفاظت از این لبه کیفی است. «قانون کنترل صادرات تسلیحات نظامی»^۲ آمریکا (به تاریخ ۱۹۶۸)، قانون پایه‌ای است که فروش تسلیحات و محصولات نظامی - بازرگانی و خدمات دفاعی و آموزشی را تنظیم می‌کند؛ در سال ۲۰۰۸ اصلاحیه‌ای برای این قانون به تصویب رسید که دولت‌های آمریکا را متعهد و ملزم می‌کند تا توانایی اسرائیل را برای مقابله و شکست هرگونه تهدید نظامی قابل توجه متعارف از سوی هر دولت، ائتلافی از دولت‌ها و یا عناصر غیردولتی تضمین کند (Scott, 2021: 1). این قانون در واقع یکی از سیاست‌های قدیمی آمریکا در منطقه را که در طول جنگ سرد نیز دنبال می‌شد، به‌صورت مدون درآورد.

۴) *هدایت کارزار شناختی*: جنگ در طول چند دهه گذشته به شکل شایان توجهی تغییر کرده و تا حدودی از تهدیدات فیزیکی فاصله گرفته است. جنگ در دنیای امروز توسط رسانه‌های عمومی و

۱. البته نباید فراموش شود که عملیات طوفان الاقصی و پیامدهای آن به‌عنوان یک تغییردهندهٔ بازی، دست‌کم در کوتاه‌مدت، بسیاری از این طرح‌ها و اجرای آنها را با وقفه و مانع مواجه خواهد کرد؛ اقدامات رژیم اسرائیل علیه مردم فلسطین و ماه‌ها کشتار مردم بی‌دفاع غزه و ترور شماری از سران و فرماندهان حماس و دیگر گروه‌های جبهه مقاومت، و اظهارات تند نمایندگان راست افراطی اسرائیل بر ضد برخی از کشورهای عربی و حتی ترکیه، فشار افکار عمومی منطقه بر حاکمان خود مبنی بر قطع روابط دیپلماتیک و اقتصادی با رژیم صهیونیستی را افزایش داده است. شواهد حاکی از این است که این موج در همان گام نخست بخش‌هایی از دستاوردهای سال‌های گذشته اسرائیل در منطقه را از میان برده است. در چنین فضایی است که عربستان سعودی به‌منزلهٔ رهبر بلوک کشورهای سنی عمل‌گرا، شرط اصلی عادی‌سازی روابط خود با اسرائیل را تشکیل دولت فلسطین عنوان می‌کند و بر آن تأکید می‌ورزد. پیش‌شرطی که جریان راست اسرائیل آن را نخواهد پذیرفت و اگر جریان میانه به آن تن دهد، موجی از ناآرامی و خشونت گروه‌های افراطی یهودی را برای رژیم اسرائیل به دنبال خواهد آورد.

2. The Arms Export Control Act (AECA)



پیشرفت‌های به‌وجود آمده در حوزه فن‌آوری هدایت می‌شود و تهدیدات آن عمدتاً اجتماعی و ایدئولوژیکی است. این مدل جدید «جنگ شناختی» نام دارد؛ اگرچه جنگ شناختی تشابهات زیادی به دیگر انواع جنگ‌های غیرمعارف و «غیرجنبشی»^۱ دارد، اما در نحوه اجرا و اهدافی که دنبال می‌کند منحصر به فرد است. جنگ شناختی مسلح کردن افکار عمومی با هدف اثرگذاری بر سیاست‌های عمومی و دولتی و بی‌ثبات‌سازی نهادهای عمومی است. این اقدامات با هدف گسترش نارضایتی در درون جامعه و یا تحریک مجموعه‌ای از باورها و یا برانگیختن کنش‌هایی خاص صورت می‌گیرد (Bernal et al., 2020: 3-10). در همین راستا اسرائیل با برگزاری برنامه‌هایی برای جوانان یهودی خارجی، اقدام به تربیت سفیرانی غیررسمی برای خود کرده تا ضمن نزدیک کردن گفتمان یهودیان بیرونی رژیم به یهودیان داخلی اسرائیل، آنها را به مدافع حقوق اسرائیل در شبکه‌های اجتماعی تبدیل کند. سازمان غیرانتفاعی «تگلیت»^۲ که تحت نظر وزارت دیاسپورای اسرائیل مشغول فعالیت است یکی از نمونه‌های برجسته در همین چارچوب است. بر اساس نظرسنجی «موسسه راشینک»^۳، ۸۰ درصد از جمعیت اسرائیل بر این باورند که این سازمان نقش بسیار مهمی در مقابله با محتوای ضد اسرائیلی منتشرشده در شبکه‌های اجتماعی دارد و به بهبود وجهه اسرائیل در عرصه بین‌المللی کمک می‌کند (Israel Hayom, 2023).

شکل‌گیری روابط رسمی رژیم صهیونیستی و جمهوری آذربایجان

با فروپاشی اتحاد شوروی دوره جدیدی از سیاست‌های جهانی و بین‌المللی آغاز شد. این تحول بر جمهوری آذربایجان تازه‌استقلال‌یافته نیز تأثیر شایان توجهی گذاشت. جمهوری آذربایجان بعد از دستیابی به استقلال در سال ۱۹۹۱ با مسأله سازماندهی سیاست خارجی خود مواجه شد. این کشور به دنبال شرکای سیاسی، اقتصادی و استراتژیک بود تا بتواند از استقلال خود محافظت کند. از آنجایی که این مأموریت بسیار پیچیده بود جمهوری آذربایجان از همان روزهای ابتدایی استقلال خود کوشید تا روابط دیپلماتیک خود را با کشورهای پیشگام در جهان برقرار سازد؛ از همین رو بود که این جمهوری به برقراری ارتباط کامل با کشورهایی نظیر ایالات متحده آمریکا، ترکیه و همسایه جنوبی خود ایران پرداخت. در این بین درک جامع مسئولان اسرائیل از موقعیت حساس جمهوری آذربایجان در منطقه قفقاز و تکاپوهای دامنه‌دارشان برای گسترش نفوذ

1. non-kinetic

2. תגלית

3. Rushinek institute

پیرامونی، آنها را بر آن داشت تا ضمن حمایت تمام‌قد از جمله در حوزه نظامی، از این کشور تازه‌تأسیس در مقابل ارمنستان، از این قافله عقب نیفتاده و زمینه حضور خود را در قفقاز و برقراری روابط گرم با جمهوری آذربایجان فراهم آورند (Abilov, 2009: 147-148).

بعد از آغاز روابط دیپلماتیک اسرائیل و جمهوری آذربایجان در ۷ آوریل ۱۹۹۲، رژیم اسرائیل در ۱۹۹۳ اقدام به تأسیس سفارت در باکو کرد؛ البته جمهوری آذربایجان برای حفظ روابط خود با کشورهای مسلمان منطقه محتاطانه عمل کرد و متقابلاً به راه‌اندازی سفارت در تل‌آویو اقدام نکرد، اما مشتاق توسعه روابط و همکاری‌ها بود. در سال‌های اخیر و به‌خصوص بعد از انعقاد پیمان‌های صلح آبراهام، جمهوری آذربایجان نیز کوشید تا از قافله کشورهای اسلامی که اقدام به تأسیس سفارتخانه در اسرائیل می‌کنند عقب نیفتد. از طرفی رژیم صهیونیستی نیز در طول این سال‌ها حساسیت‌های جمهوری آذربایجان را درک کرد و طرفین کوشیدند روابط را در الگویی توسعه دهند که بعدها بر اساس اسناد ویکی‌لیکس در ۲۰۰۹ به تعبیر الهام علیف به کوه یخی بدل شد که نه دهم آن زیر آب و از دیده‌ها پنهان بود (Perry, 28.03.2012). طرفین طی سه دهه روابط را در حوزه‌های مختلف امنیتی، نظامی، اقتصادی، ارتباطات، دارویی، تجاری، آموزشی و فرهنگی توسعه دادند.

همکاری‌های دو طرف در طول سال‌های پس از استقلال جمهوری آذربایجان به سرعت گسترش یافت و طرفین که هر دو موجودیت‌های پدیدآمده در سده بیستم میلادی بودند، کوشیدند که دستاویزهای تاریخی نیز برای این همکاری‌ها بیابند چنان‌که وفا قلی‌زاده مشاور ارشد سابق دستگاه سیاست خارجی جمهوری آذربایجان، این همراهی و همگرایی متقابل را دارای بنیان و اساس تاریخی برشمرده است (Murinson, 2014: 15). شیمون پرز در ۲۵ ژوئن ۲۰۰۹ به جمهوری آذربایجان سفر کرد. سفر پرز نقطه عطفی در روابط تل‌آویو - باکو بود و در واقع می‌توان آن را مرحله جدیدی از عادی‌سازی و آشکارسازی مناسبات جمهوری آذربایجان - اسرائیل ارزیابی کرد. پیش از پرز، در ۱۹۹۷ بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر وقت اسرائیل از باکو دیدار کرده بود، اما تفاوتی که سفر پرز با سفر نتانیاهو داشت در آن بود که سفر نتانیاهو به صورت پنهانی و شبانه و بدون هیچ تبلیغی از سوی طرفین انجام گرفت، اما در سفر پرز، برنامه سفر دست‌کم از یک ماه پیش علنی شده بود (حسینی تقی‌آباد، ۱۴۰۰: ۵۵-۵۶).

یکی دیگر از نشانه‌های تعمیق روابط جمهوری آذربایجان و رژیم اسرائیل را می‌توان در همکاری‌های طرفین در مقوله امنیت انرژی و حمل‌ونقل ایمن مواد پتروشیمی مشاهده کرد. البته



نباید تأثیر بهبود روابط اسرائیل و ترکیه و قرار گرفتن «سیاست تنش صفر با همسایگان»^۱ در دستورکار آنکارا [در دهه نخست حکومت حزب عدالت و توسعه] را در تعمیق روابط اسرائیل و جمهوری آذربایجان نادیده گرفت (Murinson, 2014: 29). از سوی دیگر مناقشات ارضی جمهوری آذربایجان و ارمنستان و از جمله بحران قراباغ، سبب شد تا جمهوری آذربایجان اتصال به توان فنی اسرائیل در زمینه تولید و طراحی پیشرفته‌ترین تسلیحات نظامی را یکی از نیازهای اساسی خود دانسته و به تعمیق روابط با اسرائیل در این حوزه ویژه بپردازد.

نکته مهم در روابط جمهوری آذربایجان با رژیم اسرائیل، حرکت خزنده و روند فزاینده آن است که انگیزه‌های اصلی طرفین در آن نقش مهمی داشته‌اند؛ از جانب دولت باکو تفوق در بحران قراباغ و موازنه‌سازی در برابر جمهوری اسلامی ایران و از طرف رژیم صهیونیستی تأمین امنیت انرژی خویش و رخنه و استقرار در جوار مرزهای جمهوری اسلامی ایران.

اعاده اراضی از دست رفته در جنگ اول قراباغ در طول تمامی سال‌های سپری‌شده از آتش‌بس ۱۹۹۴، یکی از اهداف اصلی سیاست خارجی جمهوری آذربایجان بود. دولت باکو اعلام کرده بود که اگر مذاکرات دیپلماتیک به سرانجام نرسد درگیری نظامی از سرگرفته خواهد شد. مسأله قراباغ و ناکامی گروه‌های سیاسی بین‌المللی در حل این مناقشه، به‌ویژه گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا که متولی رسمی صلح‌سازی در بحران قراباغ بود، عزم مقامات آذربایجانی معطوف به توانمندسازی نظامی خود برای روز احتمالی نبرد را در تقویت کرد. از همین‌رو اسرائیل اهمیت زیادی برای مقامات آذربایجانی پیدا کرد و آنها توانستند به کمک مراکز تحقیق و توسعه نظامی و دفاعی اسرائیل به تقویت توان نظامی خود بپردازند. به‌رغم ممنوعیت تأمین تسلیحاتی جمهوری آذربایجان در جنگ اول قراباغ توسط «سازمان امنیت و همکاری اروپا»^۲، اسرائیل تنها کنشگری بود که در آن زمان تمایل خود برای کمک به جمهوری آذربایجان را آشکار ساخت (لیندنشتاین، ۲۰۱۵: ۶۳-۶۱).

در روابط بین اسرائیل و جمهوری آذربایجان، نفت یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر است. به گفته برخی از منابع، جمهوری آذربایجان قریب به ۴۰ درصد از نفت مورد نیاز اسرائیل را تأمین می‌کند (لیندنشتاین، ۲۰۱۵: ۶۷). روابط اسرائیل با جمهوری آذربایجان با هدف تأمین

1. Policy of Zero Problems with the Neighbours
2. the Organization for Security and Cooperation in Europe

انرژی را می‌توان در راستای رهنامه اتحاد پیرامونی بن‌گوریون و به جهت خروج از انزوای ایجاد شده توسط کشورهای عربی دانست.

جمهوری آذربایجان در ابتدای روابط خود با اسرائیل، تلاش می‌کرد کمتر حساسیت مقامات ایرانی را برانگیزد، اما با گذشت زمان و گسترده‌تر شدن و تعمیق این روابط، مواضع ضد ایرانی مسئولان آذربایجانی نیز شدت گرفت و علنی‌تر شد. برای نمونه، حین نخستین سفر وزیر خارجه دولت باکو به اسرائیل، سفر چهار روزه المار ممدياراف که از ۳۱ فروردین ۱۳۹۲ (۲۰ آوریل ۲۰۱۳) شروع شده بود، راسیم موسی بیگ‌اف نماینده پارلمان جمهوری آذربایجان در مصاحبه با دویچه‌وله گفت: «آذربایجان مواضع خود را دارد و نارضایتی ایران در انجام این سفر تأثیری ندارد. ایران با اسرائیل رابطه ندارد و آذربایجان نیز با ارمنستان ارتباط ندارد. مقام‌های ایرانی هیچ‌وقت درباره سفرهایی که به ارمنستان داشتند به ما توضیحی نداده‌اند. مقام‌های ایرانی در زمانی که خاک ما در اشغال ارمنستان است به این کشور سفر می‌کنند و با رهبران ارمنستان روابط دوستانه‌ای برقرار کرده‌اند. وقتی ایران در این باره به ما هیچ توضیحی نمی‌دهد، حق ندارد درباره مناسبات ما با اسرائیل توضیحی بخواهد.» (حسینی تقی‌آباد، ۱۴۰۰: ۵۸-۵۹). آغاز جنگ دوم قراباغ، پیشروی سریع جمهوری آذربایجان در این جنگ و بازپس‌گیری مناطق اشغالی از ارمنستان سبب افزایش جسارت مقامات آذربایجانی شد و کار را به جایی رساند که دولت باکو (مستظهر به حمایت ترکیه و اسرائیل از ماشین جنگی این کشور) درصدد تحقق رؤیای ایجاد کریدور به اصطلاح زنگزور و اتصال نخجوان به خاک خود برآمد. با بازپس‌گیری مناطق اشغالی، نگرانی جمهوری آذربایجان از قطع حمایت دولت‌های اسلامی به‌طور کامل برطرف شد و شرایطی فراهم آمد که جمهوری آذربایجان را بعد از ۳۰ سال امتناع، به سمت افتتاح سفارت در تل‌آویو سوق داد.

این یک واقعیت است که هیچ کشوری در اوراسیا روابطی نزدیک‌تر و گرم‌تر از روابط جمهوری آذربایجان با اسرائیل نداشته است. آویگدور لیبرمن وزیر خارجه وقت اسرائیل، در سفر به باکو در ۲۰۱۲ به صورت کنایه‌آمیزی اعلام کرده بود که اهمیت جمهوری آذربایجان برای اسرائیل از اهمیت فرانسه بیشتر است (Just Security, 10.03.2021). به هر روی روابط باکو و تل‌آویو مسیر رو به رشد خود را طی کرد و در جنگ ۲۰۲۰ قراباغ نقطه عطفی را رقم زد، آنجا که دولت جمهوری آذربایجان پیروزی قاطع در این نبرد را مرهون تسلیحات اسرائیلی و ترکیه‌ای خواند و به دفعات از کمک‌های نظامی تل‌آویو تشکر کرد (حسینی تقی‌آباد، ۱۴۰۰: ۶۳).



موضع مسئولان سیاسی و دینی آذربایجان در قبال عملیات طوفان الاقصی و پیامدهای آن از آخرین نمونه‌های ابراز سرسپردگی دولت باکو به رژیم اسرائیل است که عمق روابط دو طرف را به روشنی بازنمایی می‌کند. این درحالی است که این عملیات و پیامدهای آن چنان تأثیری بر افکار عمومی جهان و البته منطقه بر جای گذاشت که دولت‌های اسلامی، دیگر نمی‌توانستند در برابر آن سکوت کنند. این موج بزرگ در گوشه‌ای از نقشه منطقه‌ای، عربستانی سعودی را به‌عنوان رئیس بلوک کشورهای سنی عملگرا که در حال نهایی کردن توافق عادی‌سازی روابط خود با رژیم اسرائیل بود، از اسرائیل دور کرد. در گوشه‌ای دیگر، کشورهای حاشیه خلیج فارس که در سال‌های پس از انعقاد پیمان‌های صلح آبراهام مشغول تعمیق روابط خود با رژیم صهیونیستی بودند را به بازاندیشی واداشت و در گوشه‌ای دیگر، ترکیه را که در سال‌های اخیر به فکر بازیابی روابط خود با رژیم اسرائیل افتاده بود و پس از تسلیت تلفنی اردوغان به اسحاق هرتزوغ رئیس‌جمهور اسرائیل به دنبال درگذشت مادرش (Staff, 13.01.2022)، و احوالپرسی تلفنی هرتزوغ از اردوغان مبتلا به کرونا (Timesofisrael, 06.02.2022)، روابط در مسیر تحکیم قرار داشت، به مرام سابق اخوانی بازگرداند تا بار دیگر شعار «اسرائیل دولت ترور» سر دهد. اگرچه وزارت امور خارجه جمهوری آذربایجان در اولین واکنش رسمی و تقریباً بی‌طرفانه خود به جنگ طوفان الاقصی خشونت بر ضد غیرنظامیان در مناقشه اسرائیل و فلسطین را محکوم کرده و تأسف خود را نسبت به افراد کشته‌شده در این جنگ (چه در اسرائیل و چه در غزه) ابراز داشت، اما مختار ممدوف سفیر این کشور در تل‌آویو در پیامی مستقیم «اقدامات اخیر حماس بر ضد اسرائیل» را به‌شدت محکوم کرد. وی در بیانیه‌ای که از طریق شبکه اجتماعی ایکس منتشر کرده بود، ضمن تأکید بر همبستگی خود با شهروندان اسرائیلی، حملات گروه‌های فلسطینی را تروریستی قلمداد کرد. به‌مدت چند روز در باکو، به‌نشانه همبستگی و حمایت از اسرائیل برج‌های شعله به‌رنگ پرچم اسرائیل درآمد. در همین اثناء، رسانه‌های جمهوری آذربایجان شروع به انتشار محتوای ضد فلسطینی، ضد ایرانی و ضد ارمنی کردند که در این مطالب ایران به سازمان‌دهی تحریک‌آمیز علیه اسرائیل متهم شد. در این محتواها تأکید شد که ایران از حماس به‌صورت کامل حمایت مالی می‌کند. علاوه بر این، رسانه‌های جمهوری آذربایجان یاسر عرفات، رئیس درگذشته تشکیلات خودگردان و مردم فلسطین را به جانبداری از ارمنی‌ها متهم کردند (رمان سوانسکی، ۱۴۰۲/۸/۲۶). نمایندگان مجلس ملی این کشور نیز در چارچوب «کارگروه روابط بین پارلمانی

آذربایجان و اسرائیل^۱، در همان ۷ اکتبر حمله صورت گرفته بر ضد اسرائیل را به شدت محکوم کرده و ضمن همدردی با خانواده قربانیان این حملات بی رحمانه، برای شفای مجروحان دست به دعا برداشتند (Azernews, 07.10.2023).

در آخرین تحولات صحنه منطقه ای نیز که در یکی از آنها سیدرضی موسوی در منزل مسکونی اش در دمشق و در دیگری، محمدرضا زاهدی و محمدهادی حاج رحیمی به اتفاق پنج تن از همراهان در حمله های موشکی رژیم اسرائیل به ساختمان کنسولگری جمهوری اسلامی ایران در پایتخت سوریه به شهادت رسیدند، جمهوری آذربایجان واکنش رسمی نداشت، و تنها در پی عملیات «وعده صادق» بود که در پیامی رسمی در حساب کاربری وزارت امور خارجه این کشور در شبکه اجتماعی ایکس، دو طرف را به آرامش دعوت کرده و از آنها خواست تا مانع از گسترش تنش های منطقه ای شوند (خبرگزاری آنا، ۱۴۰۲/۱/۲۷). مختار ممدوف سفیر جمهوری آذربایجان در اسرائیل نیز همین پست را بازنشر کرد. البته شبکه دولتی «باکو تی وی» در اقدامی معنادار به دیدار جورج دیک سفیر رژیم اسرائیل در جمهوری آذربایجان رفته و مصاحبه ای را با وی ترتیب داد. سوینج گلمامدو مجری جنجالی این شبکه که چند روز پیش از این مصاحبه با پوششی نامتعارف به دیدار سیدعباس موسوی جهت ضبط مصاحبه در محل سفارت جمهوری اسلامی ایران رفته بود (تابناک، ۱۴۰۲/۱/۱۱)، مصاحبه ای که حاوی پرسش های گستاخانه و مداخله جویانه ای نیز بود (Baku.tv, 14.03.2024)، در مصاحبه با دیک به طرح سوالاتی پرداخت که به سفیر رژیم صهیونیستی در مقام پاسخ دهی فرصت توهین و تهدید آشکار ایران را داد. او در این مصاحبه ایران را محور بی ثباتی در منطقه معرفی کرده و اعلام می کند که این حمله بی سابقه از سوی ایران با پاسخ قطعی مواجه خواهد شد (Baku.tv, 18.04.2024).

چگونگی همکاری رژیم صهیونیستی و جمهوری آذربایجان علیه منافع ملی ایران

رژیم اسرائیل، جمهوری آذربایجان را به عنوان بستری مناسب برای مستحکم سازی توان و ظرفیت خود بر ضد ایران برگزیده و در سه دهه اخیر کوشیده تا از ظرفیت های این کشور بر ضد امنیت ملی ایران استفاده کند. در ادامه به بررسی برخی از ظرفیت ها و بسترهای موجود پرداخته می شود:

1. the working group on inter-parliamentary relations between Azerbaijan and Israel



فعال شدن گزینه جنگ شناختی باکو علیه آذری زبان‌های ایران: زبان ترکی، زبان بخش‌هایی از جمعیت ایران بوده و استان‌های با جمعیت غالب آذری زبان آن در مجاورت مرزهای شمال غربی کشور و در همسایگی جمهوری آذربایجان قرار گرفته است؛ همین مجاورت جغرافیایی باعث شده تا در امتداد تکاپوهایی که حتی از پیش از تأسیس کشوری به نام جمهوری آذربایجان در ۱۹۱۸ در جریان بود و در دوره شوروی پی گرفته شد و بعد از شکست فرقه دست‌نشانده دموکرات آذربایجان و عقب‌نشینی شوروی از قلمرو ایران نیز متوقف نشد، زمامداران این کشور از همان اوان استقلال بعد از فروپاشی شوروی تلاش کنند تا با تحریف تاریخ و به راه انداختن جنگ رسانه‌ای علیه یکپارچگی و تمامیت ایران، به تحریک احساسات و عواطف قومی جمعیت ساکن در این مناطق بپردازند. آنها با تداوم و تشدید استفاده از اصطلاحات جعلی و ادبیات دست‌انداخته تولید شده در دوره شوروی، مناطق آذری زبان شمال غرب ایران را آذربایجان «جنوبی» خطاب کرده و به لفاظی‌های تحریک‌آمیز در مورد آن پرداخته‌اند. ادعاهای ارضی این کشور علیه مناطق آذری زبان ایران در تمامی کتب درسی آن نیز گنجانده شده و این روایت بی‌پایه و خصمانه در ذهن بسیاری از مردم این کشور به‌منزله یک امر مسلم رسوب کرده است؛ به‌علاوه دولت این کشور از طریق برجسته‌سازی کمک‌های نظامی اسرائیل به جمهوری آذربایجان در درگیری‌های نظامی قراباغ و همزمان کتمان و نادیده‌گرفتن کمک‌های مؤثر جمهوری اسلامی ایران از یک‌سو و بزرگنمایی همکاری‌های ایران و ارمنستان و تأکید بر به‌اصطلاح انفعال ایران در مسأله قراباغ از سوی دیگر، کوشیده تا افکار عمومی مناطق آذری زبان ایران را با خود همراه کرده و آنها را نسبت به روایت مقامات ایران بی‌اعتماد کند. هرچند جمهوری آذربایجان کوشید تا قراباغ را که اساساً مسأله افکار عمومی آذری‌زبانان ایران نبود را با روایت‌سازی‌های بی‌پایه خویش به یک مسأله تبدیل کند، اما در عمل و در بزنگاه‌های مختلف ثابت شد که افکار عمومی مناطق آذری زبان ایران، اساساً قراباغ را مسأله خویش نمی‌داند.

در کل باید گفت که اصرار مقامات جمهوری آذربایجان بر جذب افکار عمومی آذری‌زبانان ایران و اشاعه گفتمان تجزیه‌طلبانه موسوم به «آذربایجان جنوبی»، یکی از بسترهای قابل بهره‌برداری مقامات اسرائیلی در جمهوری آذربایجان بر ضد امنیت ملی ایران بوده است.

استقرار نیروهای امنیتی و اطلاعاتی اسرائیل در مرزهای ایران؛ یکی از استراتژی‌های اغلب کشورها برای مقابله با تهدیدات بالقوه، استراتژی غلبه بر «منطقه خاکستری»^۱ است. منطقه خاکستری در اصطلاح به محدوده بین دو طیف جنگ و صلح گفته می‌شود؛ در واقع اقداماتی که هر کشور در محدوده خاکستری به انجام می‌رساند، فعالیت‌هایی هستند که در مرحله پایین‌تر از آستانه نبرد مستقیم نظامی قرار گرفته و نوعی مستحکم‌سازی در برابر تهدیدات احتمالی جدی‌تر در آینده به‌شمار می‌روند. نقش‌آفرینی هر بازیگری در منطقه خاکستری معمولاً با هدف از بین بردن تهدیدات بالقوه احتمالی در مناطق پیرامونی انجام می‌شود.

در قالب همین چارچوب مفهومی بود که جمهوری اسلامی ایران لزوم افزایش حضور منطقه‌ای خود به‌ویژه در مناطق پیرامونی اسرائیل را دریافت و با کمک به تأسیس جنبش حزب‌الله لبنان در سال ۱۹۸۵ جبهه جدیدی را در پیش‌روی رژیم صهیونیستی گشود. با جدی‌تر شدن این حضور منطقه‌ای، اسرائیل به کمک دستگاه‌های تبلیغاتی غرب کوشید تا حضور منطقه‌ای ایران را در چارچوب اراده برای احیای هژمونی تاریخی این کشور بازنمایاند و از آن به‌عنوان دستاویزی برای ایجاد اجماع منطقه‌ای علیه ایران، دامن زدن به ایران‌هراسی، پدید آوردن اتحادهای منطقه‌ای و حتی بین‌المللی علیه ایران و سخت‌تر کردن شرایط برای حضور ایران در منطقه خاکستری استفاده کند (אִילָת, ۲۵.۳.۲۰۲۱).

روند تثبیت حضور ایران در منطقه خاکستری، مسئولان اسرائیل را از مدت‌ها پیش به فکر مقابله با آن انداخته و رده‌های سیاسی و نظامی این رژیم را بر آن داشته تا همزمان با خنثی‌سازی حضور ایران در این محدوده، حضور خود در محدوده خاکستری جهت اقدام بر ضد امنیت ملی ایران را افزایش دهند. اگرچه شروع عملیات «صلح الجلیل»^۲ در سال ۱۹۸۲ از سوی مناخیم بگین به بهانه مقابله با قدرت‌گیری و فعالیت گروه‌های مقاومت فلسطینی فعال در جنوب لبنان انجام شد، اما جنگ دوم لبنان در سال ۲۰۰۶ مستقیماً با هدف از بین بردن زیرساخت‌های حزب‌الله لبنان به‌عنوان نیروی نیابتی ایران [به تعبیر رژیم اسرائیل] در این منطقه آغاز شد؛ اسرائیل از چنان عزم راسخی برای از بین بردن حضور به‌زعیم خود نیروی نیابتی ایران در این محدوده برخوردار بود که از «رهنامه ضاحیه»^۳ که توسط گادی ایزنکوت تدوین شده بود برای وارد آوردن

1. Gray Zone

2. Operation Peace for Galilee (מבצע שלום הגליל)

3. The Dahiya doctrine (דוקטרינת הדאחיה)



ضربات سنگین و جبران‌ناپذیر به مراکز غیرنظامی لبنان و به زانو درآوردن هر چه سریع‌تر حزب‌الله استفاده کرد. اسرائیل برای مقابله با فعالیت‌های ایران در منطقه خاکستری، گسترش نفوذ در مناطق پیرامونی ایران را نیز در دستورکار قرار داده است؛ جمهوری آذربایجان یکی از همین مناطق پیرامونی است که در فرآیندی ممتد و رو به فزونی از زمان استقلال خود به پایگاهی مستحکم و مطمئن برای حضور نیروهای اسرائیلی تبدیل شده است. روزنامه فرانسوی «لوموند دیپلماتیک»^۱ در سال ۲۰۱۰ مدعی شد که واحد ۸۲۰۰ اسرائیل در حال هدایت یک شبکه شنود و جاسوسی بین‌المللی گسترده از طریق پایگاه‌های متنوع خود در زمینه جاسوسی سیگنال است. بر اساس اعلام برخی منابع، که سابقه خبر آنها به دو دهه پیش می‌رسد، ممکن است اسرائیلی‌ها ایستگاه‌های شنود الکترونیکی خود را نیز در کنار دریای کاسپین و مرزهای ایران مستقر کرده باشند (Abilov, 2009: 153; The Washington Institute, 30.3.2005). از سوی دیگر نمی‌توان پیوستن جمهوری آذربایجان به سازکارهای جدید منطقه‌ای مانند «اتحاد پدافند هوایی خاورمیانه» را که بنی‌گانتس وزیر دفاع وقت اسرائیل شکل‌گیری آن را تأیید کرده بود و در جریان عملیات «وعده صادق» شاهد برخی از نمودهای آن بودیم، نامحتمل دانست (The Organization for World Peace, 18.07.2022). خبرگزاری ایلاف در هنگام افزایش تنش‌ها بین ایران و جمهوری آذربایجان در سال ۲۰۲۱ مدعی شده بود که رژیم اسرائیل دو فروند هواپیمای نسل پنجمی خود را در جمهوری آذربایجان مستقر کرده و دولت باکو انتظار دارد در صورت بروز درگیری بین دو کشور از حمایت هوایی اسرائیل برخوردار شود (Robin Fabbro, 07.10.2021). همچنین ادعایی در خصوص برنامه‌ریزی ارتش اسرائیل برای استفاده از جمهوری آذربایجان به‌عنوان ایستگاه سوخت‌گیری در صورت حمله هوایی به تأسیسات هسته‌ای ایران مطرح شده بود که مختار ممدوف سفیر جمهوری آذربایجان در اسرائیل آن را تکذیب کرد (IRNA, 10.03.2023). البته به‌رغم این تکذیب‌ها، در گذشته نه چندان دور شاهد حملات پهلپادی رژیم اسرائیل از خاک جمهوری آذربایجان به ایران بودیم؛ در ۲۴ اوت ۲۰۱۴ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران در اطلاعیه‌ای خبر داد که یک هواپیمای بدون سرنشین رادارگریز رژیم صهیونیستی را که قصد نفوذ به حریم منطقه هسته‌ای نطنز داشته سرنگون کرده است (بی‌بی‌سی، ۲۸/۱۰/۲۰۱۴)؛ پایگاه خبری «دبکا فایل» نزدیک به سازمان جاسوسی رژیم صهیونیستی طی گزارشی مدعی شده بود که پهلپاد سرنگون شده بر فراز

تأسیسات نطنز «هرمس ۴۵۰» بود که از پایگاه هوایی نخجوان جمهوری آذربایجان برخاسته بود (دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۳/۶/۵). البته گزارش‌های دیگری نیز در مورد نفوذ پهلپادی رژیم اسرائیل از خاک جمهوری آذربایجان به سمت اهداف ایرانی وجود دارد که هیچ‌یک توسط رژیم اسرائیل و یا جمهوری آذربایجان رسماً پذیرفته نشده است.

در خطر قرار گرفتن منافع اقتصادی کشور با افزایش خطر تغییر مرزهای ژئوپلیتیکی در شمال مرزهای ایران: جمهوری آذربایجان با وجود اینکه در ابتدای مسیر استقلال از اتحاد شوروی با مشکلات ارضی و از دست دادن برخی از بخش‌های سرزمینی خود توسط ارمنستان مواجه شد، از همان ابتدا و با لحن‌های مختلفی از مقاصد پنهانش برای تغییر مرزهای ژئوپلیتیکی ایران و الحاق استان‌های آذری‌زبان شمال غرب این کشور به جمهوری آذربایجان و یا دست‌کم جا انداختن عنوان مجعول «آذربایجان جنوبی» برای این مناطق که دست‌پخت دستگاه استالینی در جهت زمینه‌سازی برای توسعه ارضی شوروی بوده است، پرده برداشته است. این کشور در برنامه‌ای مدون و کاملاً فکرسده که به‌وضوح گویای مقاصد آنگلساکسونی و صهیونیستی آن است، اقدام در این زمینه را در جنبه‌های مختلفی از جمله تحریف گسترده تاریخ و درج تحریفات در کتب درسی تا طلب کمک از رژیم اسرائیل برای توانمندسازی نظامی و بازپس‌گیری اراضی اشغالی از ارمنستان آغاز کرده و قدم در مسیر طرح دالان تورانی ناتو (به‌اصطلاح زنگروز) برای اتصال جمهوری خودمختار نخجوان به خاک آذربایجان، قطع اتصال سرزمینی ایران به ارمنستان، اتصال سرزمینی کشورهای عضو سازمان دولت‌های ترک به یکدیگر، راه‌اندازی کریدور میانی و در نهایت استقرار نظم آنگلساکسونی بر محوریت پان‌تورانیسم در مقابل نظم ایرانی و روسی در قفقاز و جلوگیری از گذار به نظم نوین منطقه‌ای با محوریت ایران، روسیه و چین، و تشیع‌زدایی و ایران‌ستیزی در قفقاز گذاشته است (کاظمی، ۱۴۰۲/۱۰/۲۲). اساساً پروژه جنگ دوم قراباغ نه صرفاً برای آزادی قراباغ، بلکه به‌عنوان پوششی برای اجرای «دالان تورانی ناتو» بود که تاکنون ناکام مانده است؛ در این فرآیند قرار است ایده پان‌ترکیسم مانند ایده نازیسم و دالان تورانی آن مانند دالان دانزیک هیتلر در قبل از جنگ جهانی دوم برای تغییرات ژئوپلیتیکی ایفای نقش کند و در چهار محور: ۱) ترانزیتی؛ از طریق کریدورهای لاجوردی و میانی، ۲) انرژی؛ برای انتقال مستقیم گاز از ازبکستان، قزاقستان و ترکمنستان به باکو که اروپا را از گاز روسیه در قالب خطوط لوله استراتژیک نورد استریم و ایران بی‌نیاز می‌کند و ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی روسیه و ایران در حوزه انرژی را تضعیف و چین را در تأمین انرژی مورد نیاز خود از آسیای مرکزی با مشکل مواجه



خواهد کرد، ۳) مسائل قومی؛ با ایجاد زنجیره‌ای از کشورهای ترک‌زبان در حدفاصل میان سین‌کیانگ و ترکیه و ۴) ناتو؛ به‌عنوان مکمل طرح محاصره روسیه از سمت دریای سیاه، محاصره چین از دریای جنوبی چین و محاصره ایران از سمت خلیج فارس که به‌عنوان مقدمه تقویت سازمان کشورهای به‌اصطلاح ترک‌زبان و تأسیس به‌اصطلاح «ناتوی ترکی» در قالب این سازمان، ضرباتی را متوجه سه کشور مذکور بنماید (کاظمی، ۱۴۰۱/۶/۱۲). البته نباید از خاطر برد که مواضع دولت روسیه مبنی بر استقبال از احداث دالان به‌اصطلاح زنگزور نشان داده که دست‌کم در فضای کنونی کشمکش تمام‌عیار مسکو و غرب در جبهه اوکراین، و بسته شدن راه‌های روسیه به سمت غرب و برسرکار بودن دولت غرب‌گرای برآمده از انقلاب مخملی در ایروان، و همکاری‌های روزافزون روسیه - جمهوری آذربایجان، مسکو بر مخاطرات پیش‌روی خویش در نتیجهٔ احداث این کریدور چشم بسته است و منافع جاری‌اش چه در مسیرهای مواصلاتی و چه مناسباتش با دولت باکو در مقوله دور زدن تحریم‌ها را اولویت داده است. از همین‌رو بود که مقام معظم رهبری در دیدار با پوتین در ۲۸ تیر ۱۴۰۱، در همان روزی که به اردوغان گوشزده کردند که «اگر سیاستی مبنی بر مسدود کردن مرز ایران و ارمنستان وجود داشته باشد، جمهوری اسلامی با آن مخالفت خواهد کرد چرا که این مرز یک راه ارتباطی چند هزار ساله است»، به رئیس‌جمهور روسیه نیز اعلام داشتند که: «جمهوری اسلامی، سیاست‌ها و برنامه‌هایی را که منجر به بسته شدن مرز ایران و ارمنستان شود، هرگز تحمل نخواهد کرد» (KHAMENEI.IR, 19.07.2022).

در صورت اجرای نقشه‌های جمهوری آذربایجان در استان سیونیک ارمنستان و قطع ارتباط این کشور با ایران، علاوه بر آسیبی که بر روابط بین ایران و ارمنستان و فرصت‌های اقتصادی پیش‌روی هر دو کشور وارد خواهد آمد، ایران نیز از برخی از منافع خود که هم‌اکنون نیز از آنها بهره‌مند است محروم خواهد شد. یکی از ذی‌نفعان بزرگ راه‌اندازی این مسیر ترکیه است. این کشور پشتیبان جدی جمهوری آذربایجان برای احداث هر چه زودتر این کریدور بوده است. این کریدور دروازه ورود ترکیه به حوزه کاسپین خواهد بود و یکی از سریع‌ترین مسیرهایی است که می‌تواند این کشور را به آسیای مرکزی و چین متصل سازد و ظرفیت‌های زیادی را برای آن در زمینه‌های اقتصادی و انرژی و البته فرهنگی و سیاسی به‌وجود بیاورد. از سوی دیگر جنگ اوکراین نیز به‌منزلهٔ یکی از عوامل مؤثر در این فرآیند عمل کرده و بر تمایل کشورهای آسیای مرکزی برای ایجاد این مسیر افزوده است. راه‌اندازی این کریدور، توسعه کریدور میانی را نیز

تضمین خواهد کرد که تأثیر اقتصادی بالایی بر کل منطقه دارد (کاظمی، ۱۴۰۲/۱۱/۳). «کریدور میانی» مسیری است که چین و آسیای مرکزی را از طریق قزاقستان، دریای کاسپین، جمهوری آذربایجان و گرجستان به اروپا متصل می‌کند؛ این کریدور، جایگزین «کریدور شمالی» است، که خط اتصالی چین به اروپا از طریق روسیه بود. این کریدور در کنار کریدورهای شمالی و جنوبی در زمره سه کریدور تجارت جهانی چین و اروپا قرار می‌گیرد و طول جاده‌ای و ریلی آن ۴۲۵۶ کیلومتر و مسیر دریایی آن ۵۰۸ کیلومتر است. این کریدور از شهر کاشغر در سین‌کیانگ چین شروع می‌شود و از آنجا به قزاقستان، دریای کاسپین، جمهوری آذربایجان و ترکیه می‌رسد.

با افزایش روزافزون اهمیت کریدور میانی و جهت‌گیری چین و اتحادیه اروپا به سمت کاهش هر چه بیشتر نقش روسیه در مسیرهای تجاری، جمهوری آذربایجان نیز به دنبال ایجاد این کریدور جهت بهره‌مندی از منافع آن است. از طرفی این کریدور زمینه اتصال جغرافیایی ترکیه به کشورهای ترک‌زبان آسیای مرکزی را نیز فراهم خواهد آورد و لذا راه‌اندازی آن می‌تواند پیگیری سیاست‌های پان‌ترکی از سوی ترکیه در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز را بیش از پیش افزایش دهد؛ جای تعجب ندارد که اسرائیل نیز از ایجاد این کریدور حمایت می‌کند. «ایوب قرا»^۱، نماینده پیشین حزب لیکود و وزیر اسبق ارتباطات این رژیم در یادداشتی برای پایگاه اینترنتی «مدرن دیپلماسی» می‌نویسد: «به‌عنوان یک وزیر پیشین اسرائیل معتقدم که اسرائیل باید از ایجاد کریدور میانی حمایت کند، چرا که اگر این کریدور با عضویت اسرائیل و امارات متحده عربی و کشورهای دیگر در منطقه توسعه پیدا کند، توافقی‌های صلح آبراهام را تقویت خواهد کرد. ترکیه مانند جمهوری آذربایجان از شیوه رفتار رژیم آخوندی حاکم بر ایران با جمعیت آذربایجانی ساکن در ایران بیزار است. اگر این کریدور تکمیل شود ما نیز می‌توانیم به آن بپیونددیم، چرا که کمک می‌کند تا از طریق ایجاد پیوند قوی‌تر میان جمهوری‌های ترک، اسرائیل و جهان عرب با ایران مقابله کنیم.» (Modern Diplomacy, 07.12.2022)؛ اسرائیل در راستای تحقق این کریدور جهت منزو سازی ایران، صرفاً به تولید محتوای رسانه‌ای اکتفا نکرده و در میدان عمل نیز به صحنه‌گردانی برای تسهیل تحقق این طرح مشغول است. یکی از کارتهای اسرائیل در این بازی، مناطق آذری‌زبان ایران و گروه‌های فعال در حوزه جدایی‌طلبی است که عموماً تحت نظارت دولت علیف فعالیت دارند. مسلماً تحقق این پروژه نه تنها مسیر ایجاد دالان تورانی به اصطلاح زنگزور و میانی را میسر خواهد کرد بلکه آزادی عمل چشمگیری را برای اجرایی

1. Ayooob Kara (آیوب کرا)



کردن نقشه‌های شوم علیه تمامیت و موجودیت ایران پدید خواهد آورد. رژیم اسرائیل که از ابتدای تأسیس خود حامی هرگونه تحرک جدایی‌طلبانه‌ای در منطقه بوده و کوشیده تا با پشتیبانی همه‌جانبه از این قبیل ادعاها و فعالیت‌ها، شرکای جدیدی برای خود فراهم کند، در خصوص ادعاها و بی‌پایه و اساس جمهوری آذربایجان نسبت به تمامیت ارضی ایران نیز سکوت نکرده و تا جایی که توانسته به حمایت از آن پرداخته است. یکی از جدیدترین نمونه‌های این هم‌صدایی با جریان‌های پان‌ترکیستی مورد حمایت دولت جمهوری آذربایجان را باید در نامه ۳۲ نماینده کنست رژیم اسرائیل به الی کوهن وزیر امور خارجه وقت این رژیم در ۲۷ آوریل ۲۰۲۳ جستجو کرد که خواستار پشتیبانی از آرمان‌های ملی در «آذربایجان جن‌وبی» و ارتقا جایگاه مسأله «آذربایجان جن‌وبی» در دستورکار بین‌المللی برای ضربه زدن به ایران شده بودند: «جلب حمایت‌های بین‌المللی برای تشکیل کشور مستقل «آذربایجان جن‌وبی» ضربه مهلکی به جمهوری اسلامی ایران وارد خواهد آورد و با تشکیل کشور مذکور اسرائیل در کنار جمهوری آذربایجان متحد دیگری در منطقه خواهد یافت» (ידיעות אחרונות, 1.5.2023). بعد از انتشار این نامه، جماعت پان‌ترک جدایی‌طلبی که با عناصر و عوامل رژیم اسرائیل در ارتباط تنگاتنگی هستند در بیانیه‌ای مشترک از نامه انتشار یافته و نمایندگانی که پای این نامه را امضا کرده بودند به شدت قدردانی کرده و برای رژیم اسرائیل آرزوی موفقیت کردند. از جمله گروه‌هایی که از این نامه تقدیر کردند می‌توان به «حزب مرکزی آذربایجان» به ریاست صالح کامرانی، «سازمان مقاومت ملی آذربایجان»، «حزب راه آزادی قشقایی»، «حزب دموکراتیک آذربایجان جن‌وبی» و «جنبش آزادی ملی آذربایجان جن‌وبی» اشاره کرد (AZNEWS.TV, 2.5.2023). درست یک روز قبل از انتشار نامه درخواست اسرائیلی‌ها بود که خبر تشکیل یک سازمان جدید با نام «شورای ملی کشور آذربایجان جن‌وبی» منتشر شد. هدف از تأسیس این سازمان احیای ایده دولت ملی آذربایجان عنوان شد که در سال‌های ۱۹۴۵ و ۱۹۴۶ به سرکردگی سیدجعفر پیشه‌وری در ایران اعلام وجود کرد (Turan, 26.4.2023).

شواهد نشان می‌دهد که تشکیل شورای ملی کشور آذربایجان «جن‌وبی» در چنین برهه‌ای از تاریخ اتفاقی نبوده است؛ این سازمان را می‌توان مولود نامشروع همگرایی فزاینده رژیم صهیونیستی و دولت باکو در سال‌های اخیر دانست. این سازمان بعد از آن افتتاح شد که الی کوهن در ۲۹ مارس ۲۰۲۳ و در مصاحبه با خبرنگاران در اسرائیل از توافق خود با همتای آذربایجانی‌اش برای ایجاد یک «جبهه مشترک بر ضد ایران» پرده برداشت. بر اساس

گزارش‌های موجود، این سازمان با حمایت مستقیم باکو و تل‌آویو ایجاد شده است. به‌وضوح پیداست که روابط رژیم اسرائیل و جمهوری آذربایجان بعد از جنگ قراباغ و به‌خصوص بعد از افتتاح سفارت جمهوری آذربایجان در تل‌آویو افزایش یافته و حمایت وزیر امور خارجه وقت اسرائیل از ایجاد جبهه مشترک با جمهوری آذربایجان بر ضد ایران و نامه ۳۲ نماینده کنست اسرائیل به وی برای ارتقا جایگاه مسأله آذربایجان «چن‌وبی» در دستور کار بین‌المللی تا تشکیل شورای ملی کشور آذربایجان «چن‌وبی» را می‌توان نتیجه یک اقدام هماهنگ مشترک، دست‌کم بین تل‌آویو و باکو دانست. برای جمهوری آذربایجان حتی اولی بر حل مسأله قراباغ، تمرکز بر روی دالان تورانی زنگزور و اتصال سرزمینی دولت‌های ترک به یکدیگر، و برای تل‌آویو افزایش آزادی عمل در استفاده از شرایط حاصل‌شده برای ایجاد زیرساخت‌های نظامی مورد نیاز جهت هدف قرار دادن ایران، مد نظر خواهد بود. هدف اصلی همکاری‌های تنگاتنگ رژیم اسرائیل و جمهوری آذربایجان، تقویت گرایش‌های جدایی‌طلبانه در شمال غرب ایران است (The Armenian Weekly, 9.5.2023).

نتیجه‌گیری

جمهوری آذربایجان به یکی از منابع تضمین‌شده و مطمئن تأمین انرژی رژیم صهیونیستی بدل شده است؛ جایگاهی که در محک‌های گوناگون از جمله عملیات طوفان‌الاقصی و پیامدهای آن در تهاجم رژیم اسرائیل به غزه آزموده شد و باکوی تحت امر علیف ثابت کرده که شریک بسیار مطمئنی برای تل‌آویو است.

در مجموع، با توجه به واقعیت‌های بنیادین استراتژیک رژیم اسرائیل (عمق کم استراتژیک، جمعیت نامتقارن، نداشتن اقبال در جلب حمایت افکار عمومی منطقه و ناتوانی در دستیابی به پیروزی قاطعانه در برابر دشمنان خود که به‌ویژه طی عملیات طوفان‌الاقصی و پیامدهای آن آشکارتر شد)، سیاست‌های امنیت ملی این رژیم (تقویت توانمندی‌های نظامی و عدم وابستگی، نمایش برتری نظامی و ایجاد توانمندی بازدارنده، حفظ برتری کیفی در حوزه نظامی، برخورداری از یک بدنه اطلاعاتی بزرگ و کارآمد، افزایش توانمندی‌ها در حوزه سایبری، ایجاد تغییر در برنامه‌های نظامی به‌موازات افزایش روزافزون توانمندی‌های نظامی دشمنان اسرائیل، تقویت بودجه دفاعی و نظامی، خودداری از جنگ‌های غیرضروری، کشاندن درگیری‌ها به خاک دشمن، ایجاد امکان نبرد در همه جهات (زمین، هوا، دریا)، وارد کردن ضربات سنگین و جبران‌ناپذیر به



طرف مقابل برای ایجاد تفوق بلامنازع، سلطه بر کشورهای همسایه و حفظ جایگاه خود به عنوان قدرت غالب منطقه (انگاره‌ای که با عملیات طوفان الاقصی و سلسله رویدادهای پس از آن دچار تزلزل جدی شد)، ترکیب جسارت تاکتیکی با احتیاط استراتژیک، کسب مشروعیت و مقبولیت عمومی، ایجاد ارتباط قوی بین تکاپوهای نظامی و اقدامات دیپلماتیک و حفظ و تقویت روابط خارجی) و نقش این رژیم در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا و محور یورو - آتلانتیکی (کمک به تحقق طرح خاورمیانه بزرگ، مبارزه با اسلام سیاسی و حفظ و حراست از دستاوردهای ایالات متحده آمریکا در منطقه از طرق مختلف از جمله ایجاد و هدایت پیمان‌های منطقه‌ای)، این رژیم در برابر جمهوری اسلامی ایران یک رویکرد چندنظریه‌ای را در پیش گرفته (امنیتی‌سازی، ایجاد اتحادهای منطقه‌ای با استفاده از موازنه تهدید، بیشینه‌سازی قدرت، بازدارندگی و هدایت کارزار شناختی) که امیدوار بود استفاده همزمان آنها، مرگ با هزار ضربه چاقو را محقق کند که هرچند تحولات ۷ اکتبر ۲۰۲۳ به بعد تردیدهای اساسی در آن پدید آورده است، اما نه تنها نمی‌توان پیشبرد این سیاست توسط رژیم اسرائیل را خاتمه‌یافته قلمداد کرد، بلکه می‌توان انتظار داشت که با پیچیدگی‌های بیشتر و در بردارهای متنوع و با جدیت مضاعف دنبال شود.

جمهوری آذربایجان و رژیم صهیونیستی، هر دو، جمهوری اسلامی ایران را تهدیدی جدی برای منافع و موجودیت خود تلقی می‌کنند. مؤلفه‌های گفتمانی و هویتی، این انگاره تهدید را قوی‌تر می‌کند. این دو به عنوان موجودیت‌های تازه‌تأسیس و متزلزل در حقوق بین‌الملل، میل به حداکثرسازی قدرت تهاجمی خود دارند و در برابر تهدید مشترک دست به ائتلاف و اتحاد می‌زنند. بررسی تاریخچه تأسیس جمهوری آذربایجان از ۱۹۱۸ تا به امروز، اثبات می‌کند که گفتمان کشور آذربایجان از بدو تأسیس در زمان محمدامین رسول‌زاده و حزب مساوات تا به اکنون، دیگرسازی و مرزبندی‌های جدی با ایران، انجام فعالیت‌های ایذایی و تحریک‌آمیز و البته، طرح ادعاهای ارضی علیه ایران بوده است. اسرائیل با شناسایی گرایش مقامات باکو به ارتباط با غرب از بدو فروپاشی شوروی، نیاز این کشور به تسلیحات پیشرفته برای اعاده تمامیت ارضی‌اش و تفوق نظامی بر ارمنستان، و نزدیکی این کشور به مرزهای ایران، فرصت را غنیمت دانست و در روندی بی‌وقفه و خزنه، جای پای خود را در این کشور محکم کرد. در واقع تثبیت حضور اسرائیل در جمهوری آذربایجان محور سه‌گانه اسرائیل - ترکیه - جمهوری آذربایجان را پررنگ‌تر ساخت. محوری که با همکاری قزاقستان، در جنگ اسرائیل علیه غزه نقش کلیدی در تأمین و

تضمین امنیت انرژی رژیم صهیونیستی ایفا کرد. رژیم اسرائیل با افزایش نفوذ منطقه‌ای خود در اطراف ایران، مجموعه ابزارهای خویش جهت بکارگیری علیه ایران را افزایش داده است. در این بین کشوری مانند جمهوری آذربایجان در تکمیل طرح‌های منطقه‌ای اسرائیل از موقعیت ویژه‌ای برخوردار است که استفاده از آن می‌تواند تهدیدهای جدی علیه ایران به دنبال داشته باشد. تسریع روند حضور منطقه‌ای اسرائیل در سال‌های اخیر و ارزیابی مقامات اسرائیل از ایران به منزله مهم‌ترین سد در برابر توسعه‌طلبی‌های آن، عرصه منطقه‌ای را به سمت جنگی ترکیبی پیش برده که جمهوری آذربایجان یکی از قطعات آن به‌شمار می‌رود. یکی از جنبه‌های کلیدی و مهم جنگ ترکیبی موسوم به «مرگ با هزار ضربه چاقو» رویدادهای همزمان و مبهمی است که در زیر آستانه وقوع جنگ در جریان هستند و می‌توان آنها را اقدامات طراحی‌شده برای منطقه خاکستری نامید. عملیات‌های نیروی هوایی اسرائیل در سوریه تحت استراتژی جنگ میان جنگ‌ها، حضور در کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس و افزایش سطح روابط در عرصه‌های مختلف با کشورهای عضو پیمان‌های صلح آبراهام در این منطقه، کمک اطلاعاتی و ابزاری به نیروهای کرد مخالف جمهوری اسلامی ایران در اقلیم کردستان عراق، کمک به بسط اندیشه‌های پان‌ترکی، تسلیح هر چه بیشتر جمهوری آذربایجان برای اجرای طرح‌های توسعه‌طلبانه خود در منطقه قفقاز بعد از اعاده تمامیت ارضی این کشور، و قطع ارتباط ترانزیتی قفقازی ایران به اروپا، همگی در ذیل یک طرح کلی قرار دارند که هدف همه آنها به زانو درآوردن جمهوری اسلامی ایران است. اسرائیل با همراه کردن کشورهای منطقه به بهانه همکاری در حوزه‌های کارکردی و فنی، به نوعی به دنبال جبران عمق کم استراتژیک خود و تضمین امنیت ملی و تحقق اهداف توسعه‌طلبانه خود در آینده است. جمهوری آذربایجان به علت داشتن نظام سیاسی سکولار، خاطره جمعی به نسبت مثبت از یهودیان ساکن در این سرزمین، تمایل قوی به برقراری ارتباط با اردوگاه کشورهای غرب به سرکردگی ایالات متحده آمریکا، ضدیت با مذهب تشیع و اسلام سیاسی و مخالفت ذاتی با جمهوری اسلامی ایران و برخورداری از گسل‌های فعال در روابط خود با این کشور، یکی از بهترین گزینه‌های اسرائیل در رویکرد تقابلی این رژیم بر ضد جمهوری اسلامی ایران است؛ البته باید توجه داشت که نگاه ویژه اسرائیل به بحران قراباغ و حمایت تسلیحاتی از جمهوری آذربایجان در برخورد با این مسأله یکی از علل مهم نزدیکی طرفین و همسویی این دو بازیگر با یکدیگر بوده است. در واقع مسأله قراباغ بزرگترین دغدغه سیاست خارجی مقامات آذربایجانی را تشکیل می‌داد و اگر کمک‌های تسلیحاتی، مستشاری و نظامی اسرائیل و ترکیه و پاکستان و



حمایت‌های پشت پرده انگلستان نبود بازپس‌گیری مناطق اشغالی غیرممکن می‌شد. البته نباید سیاست اصولی جمهوری اسلامی ایران در حمایت دائمی از تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان و اعاده قراباغ در مجامع و سازمان‌های بین‌المللی و کمک‌های انساندوستانه و نظامی ایران به جمهوری آذربایجان در جنگ اول و حمایت‌های نظامی و سیاسی ایران از این کشور در جنگ دوم قراباغ را از خاطر برد، تاریخچه‌ای که به‌صورت نظام‌مند از سوی دولت جمهوری آذربایجان و بالتبع آن رسانه‌های این کشور مکتوم نگاه داشته می‌شود، و خود مؤید وجود نقارهای عمیق و موضع منفی بنیادین دولت جمهوری آذربایجان در قبال ایران است. رژیم اسرائیل و جمهوری آذربایجان در حال حاضر گفتمان مشترکی در قبال ایران دارند و هر دو، جمهوری اسلامی ایران را تهدیدی مشترک و چه بسا وجودی برای خود می‌دانند. با چنین رویکردی، جمهوری آذربایجان یکی از فعال‌ترین بازیگران ضدایرانی در منطقه است که به‌علت دنباله‌روی از سیاست‌های پان‌ترکی، تلاش برای تغییر مرزهای خود با ارمنستان و اتصال ترکیه به دامنه جغرافیایی کشورهای ترک‌زبان، محدودسازی دسترسی‌های منطقه‌ای و ارتباطی ایران با دنیای بیرون، و از طرفی ژرفا یافتن روابط همه‌جانبه با رژیم صهیونیستی و اعطای مجوز به عناصر نظامی و امنیتی این رژیم برای حضور عملیاتی در خاک این کشور، مستقیماً در چارچوب سیاست‌های تقابلی اسرائیل بر ضد ایران قرار دارد.

پیشنهادهای کاربردی و رسانه‌ای

- توصیه می‌شود تهدیدهای رژیم صهیونیستی به‌ویژه از طریق همسایگان جمهوری اسلامی ایران، به‌صورت دقیق شناسایی و دسته‌بندی شوند. یکی از این حوزه‌ها، حوزه شناختی است که در عصر ارتباطات و اطلاعات بر تمامی حوزه‌ها سایه افکنده است. لذا ارتقای شناخت از جامعه جمهوری آذربایجان و فاصله گرفتن از باورهای کلیشه‌ای غلط در مورد صحنه، ما را در مسیر آگاهی‌بخشی صحیح افکار عمومی جمهوری آذربایجان و شکست تریبون‌های ضد ایرانی این کشور یاری خواهد کرد.
- با توجه به ماهیت ترکیبی جنگ رژیم صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی ایران و نقش جمهوری آذربایجان در این جنگ، به ویژه جنگ شناختی، ضروری است بهره‌گیری از ابزارهای دیپلماسی دیجیتال برای خنثی کردن تکاپوهای خصمانه علیه کشورمان به‌طور جدی در دستور کار قرار گیرد.

- واقعیت، ابعاد و پشت‌پرده‌ها و پیامدهای روابط جمهوری آذربایجان و رژیم غاصب اسرائیل باید در قالب فیلم‌های مستند به تصویر کشیده شود و به زبان‌های فارسی، ترکی آذربایجانی، ترکی استانبولی، انگلیسی، روسی و عربی از طریق شبکه‌های برون‌مرزی و نیز شبکه‌های اجتماعی هرچه بیشتر منتشر شود. ظرفیت‌های بالفعل نظیر شبکه سحر آذری و شبکه‌های رادیویی ترکی آذربایجانی، ارمنی، روسی، عبری و ترکی استانبولی صداوسیما جمهوری اسلامی ایران می‌توانند در این جهت مورد بهره‌برداری بهینه و مؤثر واقع شوند.
- تولید محتوا در مورد واقعیت هم‌زیستی مسالمت‌آمیز پیروان ادیان و مذاهب گوناگون در ایران باید در دستور کار قرار گیرد و جنبه‌ی نمایشی برندسازی دولت جمهوری آذربایجان از خود، برملا شود. در واقع آنچه که جمهوری آذربایجان به‌منزله مزیت خویش به‌عنوان جغرافیای هم‌زیستی مسالمت‌آمیز ادیان و مذاهب می‌نمایاند، یکی از مشخصه‌های تاریخی و فرهنگی ایران است.
- تولید فیلم‌های سینمایی و سریال‌ها با هدف به تصویر کشیدن واقعیت‌های تاریخی و به چالش کشیدن روایت‌های مورد تبلیغ باکو و حامیان آن، باید به‌طور جدی در دستور کار شبکه‌های مختلف صداوسیما و البته شبکه نمایش خانگی قرار داشته باشد.
- ساخت و انتشار مستندهایی با هدف رسوایی مبلغان و حامیان ایرانی گفتمان باکو و تل‌آویو در فضای مجازی هر چه بیشتر پیگیری شود.
- در رسانه‌های دیداری، شنیداری و مجازی برون‌مرزی از مطالب وب‌سایت‌های مرتبط با حوزه جمهوری آذربایجان مانند ahmadkazemi.com هر چه بیشتر بهره گرفته شود.

منابع و مأخذ

منابع فارسی

- بنیاد مطالعات قفقاز (۱۱ آبان ۱۴۰۲). گزارش نشست رونمایی از تارنمای تخصصی در حوزه قفقاز، حقوق بین‌الملل و رسانه، ۱۴۰۲/۱/۲۲، <https://www.ccsi.ir/fa/news/25251>
- تابناک (۱۱ فروردین ۱۴۰۲). ویدئوی مصاحبه جنجالی سفیر ایران در آذربایجان با خبرنگار زن، ۱۴۰۲/۱/۲۰، qh0059https://www.tabnak.ir/
- تحولات جهان اسلام (۱۳ آذر ۱۴۰۱). کریدور میانی؛ طرح ترکیه برای اتصال به چین، ۱۴۰۲/۲/۲۵، <https://iswnews.com/83419>



حسینی تقی‌آباد، مهدی (خرداد ۱۴۰۰). روابط تهران-باکو در تنگنای یک در تنگنای یک الگوی ثابت و تکراری. فصلنامه فرهنگی و اجتماعی گفتگو، ۸۸، ۳۵-۶۰.

<https://www.magiran.com/volume/180033>

خبرگزاری آنا تولی (۱ اردیبهشت ۱۴۰۲). آذربایجان، ایران و اسرائیل را به خویشنداری دعوت کرد،

۳۱۹۱۴۳۲ <https://www.aa.com.tr/fa/>، ۱۴۰۲/۱/۲۷

دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (۲۸ تیر ۱۴۰۱). دیدار رئیس‌جمهور ترکیه با رهبر

انقلاب، ۱۴۰۲/۱/۲۸، <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=50653>

دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (۲۸ تیر ۱۴۰۱). دیدار رئیس‌جمهور روسیه با رهبر

انقلاب، ۱۴۰۲/۱/۲۸، <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=50657>

دیپلماسی ایرانی (۵ شهریور ۱۳۹۳). ادعای رسانه اسرائیلی: پهباد اسرائیلی از آذربایجان برخاسته بود،

۱۴۰۲/۱/۳۰، <https://irdiplomacy.ir/fa/news/1937538>

سوانسکی، رمان (۲۸ آبان ۱۴۰۲). جمهوری آذربایجان؛ خیانت به همبستگی اسلامی در پشت پرده

تراژدی فلسطین، ۱۴۰۲/۱/۲۸، دیپلماسی ایرانی.

<http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/۲۰۲۳۰۴۸>

علی‌زاده، شیوا (۱۴۰۱/۷/۴). پشت پرده مأموریت باکو - آنکارا در ایجاد دالان تورانی ناتو، ۱۴۰۲/۲/۴،

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1401/07/04/2779140/>

کاظمی، احمد (۱۲ شهریور ۱۴۰۱). دالان تورانی ناتو؛ توطئه مشترک ناتو صهیونیسم بین‌المللی علیه

ایران، روسیه و چین، ۱۴۰۲/۱۱/۱۵، دکتر احمد کاظمی.

<https://ahmadkazemi.com/notes/>

کاظمی، احمد (۳ بهمن ۱۴۰۲). نشست اختلاف‌های سرزمینی جمهوری آذربایجان و ارمنستان پس از

جنگ ۲۰۲۰ و پیامدهای آن برای ج.ا.ایران، ۱۴۰۲/۱۱/۱۵، دکتر احمد کاظمی.

<https://ahmadkazemi.com/other-sites/>

کاظمی، احمد (۲۲ دی ۱۴۰۲). مدل کالینینگراد قابل اعمال برای نخبوان نیست، ۱۴۰۲/۱۱/۱۴،

دیپلماسی ایرانی. <http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/2024059>

قاسمی، فرهاد (۱۳۹۹). اصول روابط بین‌الملل. تهران: نشر میزان.

منابع انگلیسی

- Abilov, Shamkhal. (2009). THE Azerbaijan-Israel Relations: A Non Diplomatic, But Strategic Partnership. *Uluslararası Stratejik Araştırmalar Kurumu*, 4 (8), 147-167. <https://www.acarindex.com/dosyalar/makale/acarindex-1423910554.pdf>
- Ahronheim, Anna, (2021, Oct 5), IDF Weapons Flooding the Streets, 2023.4.12, <https://www.jpost.com/israel-news/its-not-stolen-idf-weapons-flooding-the-streets-681122>.

- mmddor, aaa kov, (2021), Isree's ttt oonll uuuurtty oo rrrin,, 2023.2.25, <https://jiss.org.il/en/amidror- israels- national-security-doctrine/>.
- Anti-Defamation League, (Jan 2016), Arab Peace Initiative, 2023.3.1, <https://www.adl.org/resources/glossary-term/arab-peace-initiative>.
- Azernews, (2023, Oct 7), Working Group for Azerbaijan – Israel Interparliamentary Relations condemns large – scale attacks on Israel, 2023.8.21, <https://www.aznews.az/nation/215818.html>
- Aznews.tv, (2023, aa y 2), eeeee ent of the oouth Aeerbjjnn and qqqqayi Organizations about the letter of the Israeli MPs about South Azerbaijan, 2023.10.25, <https://www.aznews.tv/statement-of-the-south-azerbaijan-and-qasqayi-organizations-about-the-letter-of-the-israeli-mps-about-south-azerbaijan/>
- BBC, (2014, Aug 24), Iran shoots down Israeli drone near Natanz nuclear site, 2024.05.03, <https://www.bbc.com/news/world-middle-east-28920361>
- Bernal, A., Carter, C., Singh, I., Cao, K., & Madreperla, O. (2020), Cognitive Warfare: An Attack on Truth and Thought, 2022.11.20, <https://www.innovationhub-act.org/sites/default/files/2021-03/Cognitive%20Warfare.pdf>
- Cagaptay, Soner, (2005, March 30), Good Relations between Azerbaijan and Israel: A Model for Other Muslim States in Eurasia, 2022.6.18, <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/good-relations-between-azerbaijan-and-israel-model-other-muslim-states-eurasia>
- Eisenko,, dddi & bbbon,, bbb,, (2019), Isree's iiii onll cccurty aaaægy, 2022.11.25, <https://www.washingtoninstitute.org/media/4613>
- Fabbro, Robin, (2021, Oct 7), Report claims Israeli F-35 fighter jets stationed in Azerbaijan, 2024.05.04, <https://oc-media.org/report-claims-israeli-f-35-fighter-jets-stationed-in-azerbaijan/>
- Financial Tribune, (2021, Oct 11), Iran, Armenia Agree to Establish New Transport Corridor, 2023.5.31, <https://financialtribune.com/articles/domestic-economy/110660/iran-armenia-agree-to-establish-new-transport-corridor>
- Financial Tribune, (2023, Feb 11), Armenian Minister Predicts \$1b Trade with Iran in Near Future, 2023.5.31, <https://financialtribune.com/articles/domestic-economy/117065/armenian-minister-predicts-1b-trade-with-iran-in-near-future>
- Fink, Madeline, (2022, July 18), Israel Developing an Air Defense Alliance in the Middle East, 2023.5.10, <https://theowp.org/israel-developing-an-air-defense-alliance-in-the-middle-east/>
- Herzl, Theodor, (ED.) (1943), The Jewish State, 2023.2.8, <https://www.pdfdrive.com/herzl-theodor-the-jewish-state-e3740367.html>
- IRNA, (2022, March 4), South-North Corridor Top Priority in Tehran-Yerevan Ties: Iran Min, 2023.4.25, <https://en.irna.ir/news/84670616/South-North-Corridor-top-priority-in-Tehran-Yerevan-ties-Iran>

- IRNA, (2023, March 10), Azerbaijan not to let its airports be used against Iran: Azeri amb. to Israel, 2024.05.04, <https://en.irna.ir/news/85052839/Azerbaijan-not-to-let-its-airports-be-used-against-Iran-Azeri>
- Isayev, H., & Mejlumyan, A. (2021, Sep 14), Azerbaijan Starts Charging Iranian Trucks Supplying Armenia, 2023.5.20, <https://eurasianet.org/azerbaijan-starts-charging-iranian-trucks-supplying-armenia>
- Israel Hayom, (2023, Feb 24), Taglit-Birthright Most Influential Organization in Diaspora-Israel Relations, 2023.2.25, <https://www.israelhayom.com/2023/02/23/birthright-israel-most-influential-organization-in-diaspora-israel-relations/>
- Kara, Ayoob, (2022, Dec 7), Why Israel Should Support the Establishment of the Middle Corridor, 2023.4.28, <https://moderndiplomacy.eu/2022/12/07/why-israel-should-support-the-establishment-of-the-middle-corridor/>
- Lavrina, Anastasia, (2022, Aug 9), Zangezur Corridor: New Transport Route to Connect Europe and Asia, 2023.5.6, <https://www.dailysabah.com/opinion/oped/zangezur-corridor-new-transport-route-to-connect-europe-and-asia>
- Meridor Committee, (2019), Isreal's National Security Doctrine Report of the Committee on the Formulation of the National Security Doctrine (Meridor Committee), 2023.2.13, <https://www.inss.org.il/publication/israels-national-security-doctrine-report-committee-formulation-national-security-doctrine-meridor-committee-ten-years-later/>
- Ministry of Digital Development and Transport, (2023), Azerbaijan Cybersecurity Center to Train Highly Qualified Personnel, 2023.5.5, <https://mincom.gov.az/en/view/news/1792/azerbaijan-cybersecurity-center-to-train-highly-qualified-personnel>
- New York Post, (2021, Feb 2), The Cyrus Accords and Other Commentary, 2023.2.19, <https://nypost.com/2021/02/02/the-cyrus-accords-and-other-commentary/>
- Perry, Mark, (2012, March 28), Israel's Secret Staging Ground, 2023.8.10, <https://foreignpolicy.com/2012/03/28/israels-secret-staging-ground/>
- Poghosyan, Benyamin, (2021, May 25), Armenia – Iran Relations and Their Perspectives After the 2020 Karabakh War, 2023.6.10, <https://www.newgeopolitics.org/2021/05/25/armenia-iran-relations-and-their-perspectives-after-the-2020-karabakh-war/>
- Scott, Patrick, (2021, Dec 13), Isreal's Qualitative Military Edge: ... Arms Transfer Policy, 2023.2.5, <https://www.e-ir.info/2021/12/13/israels-qualitative-military-edge-u-s-arms-transfer-policy/>
- Staff, Toi, (2022, Jan 13), Erdogan calls Herzog to offer condolences for his mother's passing, 2023.4.8, <https://www.timesofisrael.com/erdogan-calls-herzog-to-offer-condolences-for-his-mothers-passing/>

- Tashjian, Yeghia, (2023, May 9), After Nagorno-Karabakh, Iran may be next, 2023.10.25, <https://armenianweekly.com/2023/05/09/after-nagorno-karabakh-iran-may-be-next/>
- Taureck, Rita. (2006). Securitization Theory and Securitization Studies. Journal of International Relations and Development. 9, 53-61.
<https://doi.org/10.1057/palgrave.jird.1800072>
- The news agency Turan, (2023, April 26), The National Council of Statehood of South Azerbaijan has been established. What is its purpose?, 2023.10.26, <https://turaz.az/en/difficult-question/the-national-council-of-statehood-of-south-azerbaijan-has-been-established-what-is-its-purpose-765154>
- The Times of Israel, (2015, Oct 1), Full Text of Netanyahu 2015 Address to The UN General Assembly, 2023.3.2, <https://www.timesofisrael.com/full-text-of-netanyahu-2015-address-to-the-un-general-assembly/>
- The Times of Israel, (2022, Feb 6), Herzog calls Erdogan to wish him speedy recovery from COVID, 2023.4.8, https://www.timesofisrael.com/liveblog_entry/herzog-calls-erdogan-to-wish-him-speedy-recovery-from-covid/
- Walt, Stephen M. (1990), the Origins of Alliance, Cornell University Press.

منابع آذربایجانی

- Baku.tv, (2024, April 14), İran səfirindən gözlənilməz açıqlamalar - RƏİİ LRR, 2024.4.29, <https://baku.tv/siyaset/iran-sefirinden-gozlenilmez-aciqlamalar-resmiler/>
- Baku.tv, (2024, April 18), İran və İsrail arasında müharibə bəlaa ya bəla? İsrail səfiri Baku TV-yə danışdı - RƏİİ LƏR, 2024.4.29, <https://baku.tv/siyaset/iran-ve-israil-arasinda-muharibe-baslava-biler-israil-sefiri-baku-tv-ye-danisdil-r-smil-r/>

منابع عبری

- מאי, ۲۰۲۳. מכתב הח"כים נגד "דיכוי האזרים" באיראן - שיעור 01 אייכנר, איתמר. את זעמו של יורש השאה הגולה. ידיעות אחרונות
<https://www.ynet.co.il/news/article/hyymdyx3> (ניגש ב: ۲۰۲۳.۰۹.۲۸)
- דבורי, נ., ורונצווייג, א. (۹ יוני, ۲۰۲۲). ישראל תשתף פעולה ביטחונית עם עיראק, https://www.mako.co.il/news-military/2022_q2/Article-76c195796a84181026.htm (ניגש ב: ۲۰۲۳.۰۵.۲۶)
- וינטר, אופיר. (דצמבר ۲۰۱۹). כי לא לעולם חוסן: תרחישי איום קיומיים על מדינת ישראל. המכון למחקרי ביטחון לאומי.
<https://www.inss.org.il/he/publication/no-thing-is-forever/>

منשה، کرملہ. (۱۰ مرץ، ۲۰۲۲). ישמש כנספח צבאי בין שתי המדינות: קצין צה"ל יוצב (ניגש ב: <https://www.kan.org.il/item/?itemid=123700> בבבחריי. חדשות כאן. ۲۰۲۳.۲.۲۸)

נועם, איציק. (۲۵ مرץ، ۲۰۲۱). האיום האיראני על אילת גובר: נפרסה סוללת פטריוט. <https://www.yomyom.net/article.asp?id=51381> חדשות אילת.

עמידרור, יעקב. (۲۰۲۱). תפיסת הביטחון הלאומי של מדינת ישראל. <https://www.idf.il/media/r3gebykq/>

